

اشاره:

همواره شخصیت‌های سیاسی موثر و خواص و به دنبال آن نزدیکان و فرزندان آنها، در وقوع حادثه‌ها و بحران‌ها، نقشی به سزا و مهم داشته‌اند. این نقش به اندازه نزدیکی و دوری آنها از ارزش‌ها و معیارهای حق و باطل، آنان را در دو سوی جبهه حق و باطل تقسیم کرده و به هر یک از صفوف، ملحق ساخته است. بسپارند آقا زادگان، نور چشمی‌ها، فرزندان و نزدیکان صحابه پیامبر و یاران امام که به واسطه سهل‌انگاری پدران خود، که از بیت المال مسلمین و منصب‌های حکومتی برخوردار بودند، در اندک زمانی، تبدیل به مصیبت‌زاترین و بحران‌آفرین‌ترین شخصیت‌ها شدند. این فرزندان دور مانده از تربیت اسلام و بزرگ‌شده از بیت المال و ثروت‌های حرام، خونین‌ترین صحنه‌های هر استاک و شرم‌آور تاریخ را خلق کردند که عاشورا یکی از آنان است. اگر فقط گوشه‌ای از جنایت‌های خونین عبیدالله بن زیاد، عمر سعد، عبدالله بن عمر، مروان بن حکم، عبدالله بن زبیر، یزید بن معاویه، ولید بن عتبّه، سعید بن عاص، عمر وعاص و معاویه بن ابی‌سفیان را بررسی کنیم، در خواهیم یافت که این آقا زادگان و از منتسبین به امرای قوم، چه مصیبت‌هایی را بر جامعه اسلامی وارد ساختند. شاید بتوان عمر سعد را شاخص‌ترین آقا زاده و از منتسبین به حاکمان و سرداران صدر اسلام دانست که حادثه سرخ عاشورا و شهادت حسین بن علی (ع) را به دست خود رقم زد. نوشتار زیر نقش آقا زادگان در حکومت‌های دینی و شباهت برخی از فعالیت‌های نزدیکان و منتسبین به مسوولان و خواص نظام اسلامی به این جریان شوم را بررسی می‌کند.

عمر سعد‌های انقلاب

ممسن فاطمی



سیاسی



عکس: نهج‌دی رضایی‌میلو



این توسعه و پیشرفت و فاصله را چگونه می توانست برای خود هضم نسازد؟ وقتی که از نام و نشان پیامبر فقط پنج بار گواهی بر رسالت او در مآذنها باقی مانده بود و ردا و عمامه هایی که به نام پیامبر، هر زشتی و اشتباهی را توجیه می کرد: «عزت اسلام است»، «مصلحت در این است»، «آقا تفرقه نیندازید» «جامعه نیاز به سکوت و آرامش دارد»، «مردم از جنگ خسته اند»، «با آرمان و شعار که نمی شود جامعه را اداره کرد»، باغ ها و زمین های فراوان، خانه های وسیع و عمارت های شاهانه و طاغوتی، مرکبها و کجاوهای مجلل، خنجرها و شمشیرهای مرصع و زینت آلات تشریفاتی دیگر



در مرام و سیره پیامبر، دوست و آشنا و فامیل و فرزند، هیچ اولویت و برتری بر دیگران ندارد، جز به تقوا و نظم.

شرکت در کدام غزوه و یا اعزام به کدام مأموریت و همراهی پیامبر در کدام سفر، هر کدام بهانه های خوبی بود که مسؤولان حکومتی و رؤسای دولتی آن دوران را، بیت المال بر خوردار سازد.

کمترین دارایی های برخی از صحابی پیامبر زهد و تقوا را در بر می گرفت!
صحابی، پیامبر بزرگوار که بر شکم خود سنگ می بست تا سختی گرسنگی بینویان را دریابد. با این حال توجهات شیطانی برای دنیاطلبی و رفاه زدگی در آن دوران شنیده می شد.
تأسف بار تر این که این توجهات شیطانی نه از سوی مردمان کوچک و بازار، بلکه از سوی عقلای قوم، فقیهان موجه، قاریان و حافظان قرآن، رزمندگان و شمشیرزندانان در رکاب پیامبر، صحابی و شکنجه دیدگان در دوران مبارزه صدر اسلام القاء می گردید.

توجهاتی غلط که مسیری بسیار غلط تر از آن را باز می کرد تا آینده را با خون پاکترین فرزندان حقیقی اسلام، آغشته سازد. روزگار پنج دهه را از رحلت پیامبر اسلام گذرانده و نسل جوان آن روز، حاکمان و کارگزارانی را دیده بودند که آقا زادگان و اقوامشان همه کاره آنها بودند، با کیسه کیسه زر و سیم و هزاران هزار بنچاق و سند و فهرست زمین و گاو و گوسفند و اسب و استر و کنیزکان دلارایی که عقل و هوش از سر عرب حجاز می ربود. نسلی که جز راحت طلبی و رفاه زدگی از کارگزاران حکومت اسلامی نمی دید و اگر زمانی هم به بهانه دین، جهادی بر پا می شد، نه از روی «صدر اسلام» و «گسترش ارزش های آسمانی پیامبر خدا»، که از روی سیطره سیادت و شرافت عربا و تسلط بر ثروت های آسیا و اروپا بود تا شمشیرزنانی را به نام «جهاد در راه خدا» تجهیز نمایند. این نسل که نیم قرن از سیره و نام پیامبر دور مانده بود، تنها در زمان کوتاه چهار ساله حکومت علوی، شیرینی عدالت و زهد پیامبر را چشید، اما تلخی فتنه و نیرنگ و زهر حيله و مکر پی در پی، در جام تقدیر حق نشانه می شد، تا فرق عدالت را در محراب شکافت. و این شد که گذشت زمان، سه نفر از مهم ترین رانت خواران و سوء استفاده کنندگان از بیت المال اسلام را در حادثه های خونریز گرد هم آورد تا فجع ترین صحنه ها را خلق کردند: «یزید بن معاویه بن ابوسفیان»، «عبید الله بن زیاد بن ابیه» و «عمر بن سعد بن ابی وقاص»

شاید بهتر آن باشد که برای شناخت بیشتر، با زندگی هر یک از اینان

...کوچه های مدینه بود و سر و صدای کودکانی که زیر سایه اسلام و پیامبر خدا قرار داشتند. سالهای حکومت عشق و عقل و حضور سراسر نور پیامبر خدا بود. کودکان مسلمانان همبازی یکدیگر و فرزندان سرداران و سپاهیان اسلام در کنار هم بودند. در میان کودکان - که در کوچهای از کوچها بازی می کردند، شاید حسین بن علی (ع) نیز حاضر بود و همسایه چند کوچه پایین تر، عمر، پسر سعد بن ابی وقاص در دنیای کودکی اش شناور بود. به راستی زندگی این دو کودک در آن سالها به کدام سو در حرکت بود؟ حسین (ع) کودکی بود که بر سفره طعامشان جز نان و خرما و شاید هم شیر، غذای دیگری یافت نمی شد؛ با آن که نوه پیامبر و حاکم اسلام بود و آن یکی، عمر سعد کودکی بود اشرف زاده که بوی طعام لذیذ و گرم و نوشیدنی گوارا و لباس نرم را از چهره گل انداختاش می شد، دریافت. هر دو از بزرگواران بودند و فرزندان خواص جامعه آن روز، اما او در خانه زهد و تقوا و سادگی و این در خانه رفاه و ثروت و تشریفات. و سالها گذشت تا آن که دوباره دور، دور حضور دنیا در زیست زمینی آدمها شد. زمانه، زمانه ای گشت که زهد پیامبر نقل خاطر مها شد و ترجیح تقوا و لیاقت بر هم قبیله گری و فامیلی، در قرآنها ماند. برخی از صحابی پیامبر با سیاست و انتخابات دموکراتیک سقیفه بنی ساعده به قدرت رسیدند. صحابی با آن که با چشم خود سیره پیامبر را از نزدیک نگریسته بودند، فرزندان و نزدیکان و هواداران و همپالکی های قبیله و عشیره و حزب های دیگر هم فکر را گرد هم آوردند. یکی قاضی، یکی مشاور اعظم، یکی همراه، یکی خزاندار، یکی والی، یکی سردار لشکر، یکی مفتی، یکی امین و مونس و آن یکی رئیس دفتر! این همان مردان صدر اسلام بودند که آیهای قرآن را در هنگام افتادن ریشه بر جسم پیامبر و نزول وحی، شنیده بودند که: «ان اکر مکم عند الله اتقیکم!» آنها به خوبی می دانستند که در مرام و سیره پیامبر، دوست و آشنا و فامیل و فرزند، هیچ اولویت و برتری بر دیگران ندارد، جز به تقوا و نظم.

همبازی های مدینه آن روز بزرگ و بزرگتر می شدند و پدران آنها فرسوده و پیرتر. صحبت از شأن و جایگاه صحابی بود و در گرفتن مستمری از بیت المال و ثروت های حکومتی، آن هم با تفاوت و فاصله های فراوان با مردم. شرکت در کدام غزوه و یا اعزام به کدام مأموریت و همراهی پیامبر در کدام سفر، هر کدام بهانه های خوبی بود که مسؤولان حکومتی و رؤسای دولتی آن دوران را، از رانت خوارها و مستمری های ویژه بیت المال بر خوردار سازد. در این دوران، جامعه پس از پیامبر



آشناشویم.

یزید پسر معاویه

یزید فرزند معاویه است. معاویه فرزند ابوسفیان، یکی از دشمنان سرسخت پیامبر و هم‌چنین پسر هند جگرخوار است. مادرش از «ذوات الاعلام» مکه و از فواحش معروف بود. پدرش از کسانی بود که در فتح مکه و با شمشیر اسلام آورد. پیامبر آنان را «طلقاً» یعنی آزادشدگان نامید. معاویه در آغاز از کتاب (نویسندگان) وحی شد و در دوران خلیفه دوم به فرمانداری شام منصوب شد و برای خود دستگاهی عظیم، هم‌چون شاهان ایران و روم بنا نهاد. زندگی‌اش در اسراف و تجمل و تشریفات نمونه تمام عیار بود. یزید از زن او «میمون» دختر بجدل کلبی است. «میمون» با غلام پدرش زنا کرد و از او یزید را حامله شد. از همین رو شاعران عرب به یزید، «عبد کلب» نیز گفته‌اند. در خوردن شراب، سگ‌بازی، میمون‌بازی، زنا و شعرگویی استاد تمام بود. عبدالله حنظله درباره یزید گفته است: «یزید مردی است که با مادران و دختران و خواهران خود نزدیکی و جماع می‌کند و شراب می‌نوشد و نماز نمی‌خواند.» او بوزینه خبیث و زشتی به نام «ابوقییس» داشت که او را در کنار خود می‌نشاند. گورخری نیز داشت که به پالان جواهر نشان مزین بود. از پیامبر درباره‌اش حدیثی وارد شده که فرمود: «نخستین کسی که سنت مرا تغییر می‌دهد، مردی از بنی‌امیه است که به او یزید می‌گویند.» او

سه سال و نه ماه پس از معاویه خلافت کرد و در نخستین ماه‌های آن، فرزند پیامبر را به شهادت رساند در سال سوم خلافت، به دستور او، فرمانده نظامی‌اش، به مسجد النبی و قبر پیامبر حمله کرد و مردم را در کنار حرم پیامبر سر برید. لشکر او در مدینه ده هزار نفر را کشت و به زنان و دختران مدینه تجاوز کردند تا آنجا که راویان گفته‌اند در حرم پیامبر خدا...!! مدائنی می‌گوید: «بعد از واقعه مدینه، هزار زن بی‌شوهر، فرزند زنا متولد کردند.» در همان سال به بهانه دفع فتنه عبدالله بن زبیر - یکی دیگر از آقازادگان مفسد - کعبه را به آتش کشیده و ویران کرد. سرانجام این رانت‌خوار و حرام‌خوار در سال ۶۴ هجری به مرض «ذات‌الجنب» (بیماری جنسی) در ۳۷ سالگی در حوران از دنیا رفت.^۱

عبدالله بن زیاد

عبدالله فرزند زیاد بن ابیه است. پدرش از نسب و فامیل به «سمیه» که او نیز از فواحش عرب بود، باز می‌گردد. تا سال‌های سال هیچ کس نمی‌دانست که زیاد (پدر عبدالله) از پدر به چه کسی می‌رسید، معاویه برای پاداش او به خاطر ضربه زدن به حکومت علی، او را به ابوسفیان منسوب کرد. در حالی که حدیث پیامبر مبنی بر اینکه «اولاد به خانه پدرش منسوب می‌شود و زناکار باید سنگسار شود»^۲ را می‌دانست. از همین رو به «یزید بن ابیه» معروف شد یعنی «پسر پدرش!». در دوران حاکمیت حضرت امیر(ع) نقشه‌ها و رشوهای معاویه او را به شام کشاند. عبدالله در تمام دوران تصدی حکومت پدرش بر ولایات در جای جای سرزمین‌های اسلامی، در کنار او بود. زیاد اولین کسی بود که چشم شیعیان را کور کرد و شکنجه داد. چرا که او شیعیان عراق را خوب می‌شناخت و نخستین کسی است که محبان علی را زنده به گور کرد و لعن و نفرین به علی(ع) را در عراق واجب نمود. همسر زیاد، مرجانه بود که او نیز از

باغ‌ها و زمین‌های فراوان، خانه‌های وسیع و عمارت‌های شاهانه و طاغوتی، مرکب‌ها و کجاوه‌های مجلل، خنجرها و شمشیرهای مرصع و زینت آلات تشریفات دیگر کمترین دارایی‌های برخی از صحابی پیامبر زهد و تقوا را در بر می‌گرفت! صحابی، پیامبر بزرگواری که بر شکم خود سنگ می‌بست تا سختی گرسنگی بینوایان را دریابد.

فواحش معروف بوده است. در دوران عثمان بن عفان، عبدالله از مرغانه متولد شد. عبدالله در سال ۶۱ هجری ۳۲ ساله بود. جوانی بود مشروب‌خوار و عیاش. در ۲۵ سالگی از سوی معاویه به حکومت خراسان منصوب شد، فقط به این علت که فرزند زیاد بود.

در ۲۷ سالگی حاکم بصره شد. او کسی بود که مانع قیام سید الشهداء شد و تمام جریان قیام را با شناخت دقیق از اوضاع عراق و کوفه، آن هم در اوج شقاوت و حيله‌گری به نفع یزید به پایان رساند. در سال ۶۷ مختار ثقفی او را دستگیر نمود و گردنش را زد.^۳

عمر سعد

عمر پسر سعد بن ابی وقاص از سرداران سپاه اسلام است. پدرش از صحابی پیامبر بود که در دوران خلیفه دوم مسئولیت سپاه اسلام برای حمله به ایران و فتح قادسیه را بر عهده داشت. عمر در مدینه و در دوران پیامبر متولد شد و همبازی حسین بن علی(ع) در کودکی بود. با ثروت اندوزی پدرش در دوران فتح ایران، تبدیل به یک اشراف‌زاده شد. او غرق در نعمت و ناز بود و از کسانی است که در فتح عراق هم در کنار پدرش بوده. او عامل شهادت «حجر بن عدی» از یاران صدیق علی(ع) بود، از آن جهت که او به فتنه‌گری «حجر» شهادت و گواهی داد. پیش از واقعه عاشورا، از سوی یزید حکم صدارت او بر استان ری امضا شد، اما طی نامه‌ای دیگر از سوی ابن زیاد که نفوذی فراوان بر یزید داشت، او را به کربلا فرستاد تا جلوی حسین بن علی(ع) را بگیرد و این کار را شرط صدارت و حاکمیت او بر ری قرار داد. عمر سعد فجیع‌ترین صحنه‌ها و حادثه‌ها را فقط برای حکومت راندن بر «ری» انجام داد. در روز عاشورا حسین بن علی(ع) به او فرمود: «میدوارم از گندم ری جز اندکی نخوری!» و او با تمسخر گفت: «اگر از گندمش نخورم، جوان برایم کافی است.» پس از شهادت حضرت، عمر سعد دستور داد تا بر جنازه حسین بن علی(ع) اسب تاختند. و اهل بیت را به اسارت بردند. در قیام مختار به کوفه گریخت و سپس به بصره رفت. به دستور مختار گردنش را زدند.^۴ او از مشهورترین آقازادگان مفسد بود.

آنچه که از زندگی این سه رانت‌خوار و آقازاده مفسد دیدیم، چیزی جز سیاهی و تباهی و فساد و ابتدال نبود که به واسطه مال‌های حرام و مادران ناپاک



**نسل جوان آن
روز، حاکمان و کارگزارانی
را دیده بودند که آقازادگان و
اقوامشان همه کاره آن‌ها بودند،
با کیسه کیسه زر و سیم و هزاران
هزار بنچاق و سند و فهرست زمین
و گاو و گوسفند و اسب و استر
و کنیزکان دلارایی که عقل و
هوش از سر عرب حجاز
می‌ربود.**

نام دین، سر دین را به نیزه برند؟ آیا نزاع و درگیری
اهل بیت^{علیهم‌السلام} با دنیاپرستان حکومتدار، بر سر کرسی
قدرت و منصب و مقام بود، یا عاملی دیگر در این
میان بود؟ حضرت امام صادق^{علیه‌السلام} در این باره
به گونه‌ای عمیق و ژرف، درگیری و نزاع اهل
بیت^{علیهم‌السلام} با حکومت‌های ظلم به ویژه امویان را
تحلیل نموده‌اند. امام صادق^{علیه‌السلام} نزاع و درگیری
میان اهل بیت پیامبر و آل ابی سفیان را نزاعی
مکتبی و بر سر عقیده می‌دانست، نه شخصی.
ایشان می‌فرمودند: «أنا و آل ابی سفیان بیتی
تعدینا فی الله، قلنا: صدق الله و قالوا: کذب الله»
یعنی: ما و خاندان ابوسفیان دو خانواده هستیم که
درباره خدا درگیر بودیم. ما می‌گوییم: خدا راست است
و آنها می‌گویند: خدا دروغ است.^۲

اگرچه این فساد عقیدتی، یکی از ده‌ها فساد موجود در میان
بنی‌امیه است که می‌تواند عاملی اصلی و بنیادین برای فسادهای دیگر این

خانواده شوم باشند، اما این فسادها را به صورت خلاصه می‌توان چنین ذکر کرد:

۱. اسلام‌زدایی و تحریف معارف دین و بدعت گذاری.
۲. ترویج فرهنگ جبر و سکوت و تسلیم.
۳. غارت بیت‌المال و صرف آن در راه منافع و امیال شخصی.
۴. فساد اخلاق و ترویج شراب و شهوت و قمار.
۵. احیای تعصب‌های قومی و ارزش‌های دوران جاهلی.
۶. به کار گماردن عناصر نالایق و فاسد، تنها به دلیل «اموی» بودن.
۷. حیل‌گری و تزویر و تبلیغات دروغین.
۸. کینه و عداوت آنان با آل علی^{علیهم‌السلام}.
۹. محروم کردن شیعیان ائمه از مناصب سیاسی و حقوق اجتماعی و اقتصادی.
۱۰. کشتارهای شیعیان ائمه به پشتوانه مناصب سیاسی و حقوق اجتماعی و اقتصادی.
۱۱. دستگیری، حبس و کشتن چهره‌های درخشان و انقلابی و آگاه مسلمانان که هوادار اهل بیت بودند.

۱۲. بیعت گرفتن اجباری از مردم و سران قبایل به نفع یزید.^۳

این فسادها از دوران سرشاخه اصلی فساد یعنی معاویه پسر ابوسفیان
رانت‌خوار و منصوب دستگاه خلافت قریشی آغاز و به مدت هزار
ماه - که از شوم‌ترین دوران‌های سیاسی اسلام است - طول کشیده
بود، و مجموعه‌ای از سیاه‌ترین فهرست‌های توطئه‌ها، شکنجه‌ها،
بحران‌ها و نیرنگ‌های سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گرفت که
در برابر حرکت‌های نورانی و روشنگرانه اهل بیت^{علیهم‌السلام} به عنوان
اصلی‌ترین مانع و سدّ قرار می‌گرفتند. مواعی که روزگار
اهل بیت را به غریبانه‌ترین و مظلومانه‌ترین روزگار و لحظه‌ها
کشاند. به راستی چرا مسلمانان صدر اسلام اجازه بروز و
ظهور این صحنه‌های ناگوار را به این مفسدان دادند و فرصت
را از دست اهل بیت(ع) سلب کردند؟

اگرچه امروز از رانت‌خواران مفسد و نفوذی صدر اسلام
همچون ابن زیادها، یزیدها، مروانها، ابن زبیرها و عمر سعدها
فقط یاد و نام سیاه باقی مانده، اما راه و روش مکارانه‌شان همچنان
فراروی اسلاف و فرزندان معنوی آنان قرار داد. انقلاب اسلامی
ایران که به حق شبیه‌ترین حرکت‌ها و قیام‌ها به حرکت رسول خدا(ص)
و سیدالشهداست، اگر خدای ناکرده زمانی این انقلاب مورد تهدید و حمله این
جنس از رانت‌خواران مفسد و آقازادگان حرام خوار قرار گیرد، یاران باوفای انقلاب و رهبری باید
در تدیسه حرکتی چون حرکت سیدالشهداء^{علیهم‌السلام} برآیند.

و پدرانی اسرافکار و جاه‌طلب و سوء استفاده کننده از
قدرت و بیت المال به فرزندان و آقازادگان مفسدی
تبدیل شده بودند. اما به راستی، نقطه آغازین شکل‌گیری
شخصیت این آقازادگان مفسد کجاست؟

شاید سخن مسلم بن عقیل، در هنگامی که در
دارالاماره توسط ابن زیاد دستگیر شده بود، پاسخ و رمز
این پرسش را بگشاید. مسلم بن عقیل در بیان انگیزه قیام
سیدالشهداء و حرکت جامعه آن روز، علیه یزید می‌گوید:
«اهل المصر زعموا ان ابانك قتل خیار هم و سفك دمانهم و عمل
فیهم اعمال کسری و قیصر، فاتیناهم یئامر بالعدل و تدعوا الی
حکم‌الکتاب»

اهل این شهر چون دیدند پدر تو نیکان و صالحان
را کشت و خونشان بریخت و همانند رفتار پادشاهان
ایران و روم با ایشان رفتار کرد، ما به نزد ایشان آمدیم که
دستور دادگستری دهیم و به حکم خدا و
قرآن مردم را دعوت کنیم^۴

به راستی شرق‌زدگی و
غرب‌زدگی و عادت کردن
آقازادگان مفسد و بزرگان
فاسد اخلاق جامعه
آن روز به تشریفات
و فساد روم و ایران،
می‌توانست عاملی تا
این اندازه قوی باشد که
همه ارزش‌های اسلامی
و انسانی را تا آنجا به
زیر کشد که حتی والیان
و کارگزاران حکومت که
به نام خدا و اسلام، حکومت

می‌کردند، کافرانه شعر بگویند و خدا
و پیامبر او را منکر شوند؟ رفتار پادشاهان

ایران و روم چه رفتاری بود که می‌توانست میان
جامعه اسلامی فاصله‌ای تا این اندازه ایجاد کند که به

**عبدالله حنظله درباره یزید
گفته است: «یزید مردی است
که با مادران و دختران و خواهران
خود نزدیکی و جماع می‌کند و
شراب می‌نوشد و نماز نمی‌خواند.»
او بوزینه خبیث و زشتی به نام
«ابوقبیس» داشت که او را در
کنار خود می‌نشاند.**

کالاهای مورد نیاز جامعه
نقش اصلی داشتند؟
چه کسانی با लेकर
و زیر پا گذاشتن
حقوق محرومان
و پابرهنگان،
خود را وارث
به حق حکومت
می دانستند؟ چه
کسانی در عرصه‌ها
و آزمون‌های
اجتماعی بر آن بودند
تا با ریخت و پاش‌ها و
تزیق کمکهای میلیاردری، به
نام مردم تصمیم بگیرند؟ چه کسانی

در شیوه و مرام علی بن
ابی طالب علیه السلام هیچ دوست و آشنا و
فامیل و هواخواه، بر انسان‌های دیگر
ارجحیت ندارد، حتی به واسطه عدالت
علی علیه السلام، حسنین و فرزندان پیامبر نیز، هیچ
شغل و منصبی را نمی گیرند. همه افراد بر
اساس تقوا و لیاقت و تدبیر و نظم انتخاب
می شوند و در شیوه اموی، کافی است که
بدانی چه چیزی خوش آمد و بد آمد
رؤسا و کارگزاران حکومتی را در
پی خواهد داشت.



رویارویی فرصت طلبان مفسد با حقانیت انقلاب

اسلامی، در حقیقت همان رویارویی شیوه علوی با روش اموی است.

در شیوه و مرام علی بن ابی طالب علیه السلام هیچ دوست و آشنا و فامیل و هواخواه، بر انسان‌های دیگر ارجحیت ندارد، حتی به واسطه عدالت علی علیه السلام، حسنین و فرزندان پیامبر نیز، هیچ شغل و منصبی نمی گیرند. همه افراد بر اساس تقوا و لیاقت و تدبیر و نظم انتخاب می شوند و در شیوه اموی، کافی است که بدانی چه چیزی خوش آمد و بد آمد رؤسا و کارگزاران حکومتی را در پی خواهد داشت. این ملاکی است که همه قواعد را در شیوه مدیریتی آنان شکل می بخشد. دوستان و هواخواهان هم حزبی، آشنایان و فرزندان و همراهان و همدرسان، می توانند، بهترین بهره‌ها و مناصب‌ها را شامل خود سازند. از آن رو که خوب می دانند برای خوش آمد بزرگ حزب و مرام و جناح خویش چه باید بگویند و چه کاری انجام دهند. آنان پیش از آنکه به معیار حق عمل کنند، به سر دسته و رهبر دیرین حزبی خویش می نگرند. نباید اجازه داد از جانب خواص و خواص زادگان همان بلایی بر سر انقلاب وزد آید

که در صدر اسلام بر اسلام وارد گردید. اگر نگاهی به سالهای اخیر به ویژه پس از جنگ داشته باشیم خواهیم یافت که: چه کسانی از ناکارآمدی اسلام و فقه در اداره جامعه دم زدند و خواهان ورود تکنوکرات‌ها و لیبرال‌ها در سطوح مدیریتی شدند؟ چه کسانی فرهنگسراها و هنرکده‌ها را در برابر مساجد برپا کردند تا آنچه را که به واسطه انقلاب ضد ارزش شده بود، در میان جامعه به عنوان ارزش، معرفی کنند؟ چه کسانی به فضای اختناق و پلیسی، برای ساختن ایران به عنوان جزیره ثابت و آرام اقتصادی، و پر کردن کیسهایشان نیاز داشتند؟ چه کسانی به نام سازندگی و اصلاحات، تا هفت نسل بعد خود از بیت‌المال بی نیاز کردند و در حساب‌های خارجی، ارقام میلیاردری و نجومی باز نمودند؟ چه کسانی به بهانه «استفاده مشروع از دنیا» بر خانه‌ها و عمارت‌های

رفتار پادشاهان ایران
و روم چه رفتاری بود که
می توانست میان جامعه
اسلامی فاصله‌ای تا این اندازه
ایجاد کند که به نام دین، سر
دین را به نیزه برند؟

طاغوتی و به بهانه «حفظ عزت اسلام» در کاخ نشستند؟ چه کسانی سیره امام و شهدا را «فسیل شده» بر شمرند؟ چه کسانی اباح‌گری و لاقیدی و بی بند و باری و فساد را به بهانه «تساهل و تسامح» و «تلوراتس» و «رواداری» ترویج دادند؟ چه کسانی کتلهای دشمنان خدا و توهین کنندگان به اهل بیت (ع) را پیش خرید کردند؟ آن هم در تیراژهای دهها هزاره؟ چه کسانی در صحنه‌های انتخاباتی و عرصه‌های سیاسی اشک تماش می ریختند و در نمان با دشمنان خدا و انقلاب، نرد عشق می باختند؟ چه کسانی در برج‌سازی و انبوسازی و بالا و پایین کشاندن قیمت

از شسریدن غذاهای آن نیز درمانده خواهند بود - گسترانیدند؟ چه کسانی از پسر دانی و پسر خاله و پسر عم و عمه و همکلاسی و هم‌حلمای گرفته تا پوستر چسبان و آبدارچی حزب را در وزارتخانه‌ها بدون در نظر گرفتن هیچ شرایط لیاقتی و صلاحیتی استخدام کردند؟ چه کسانی کارخانه‌های مصادره شده طاغوتی و سهام‌های مردمی را در سایه خصوصی‌سازی بلعیدند و با آن بانکهای شخصی و خصوصی تأسیس کردند؟ چه کسانی از بیت‌المال ویلاهای مجلل به همسران خود هدیه دادند و برای جشن تولد فرزندانشان از اموال عمومی کادوها و هدایای گرانقیمت خریدند؟ چه کسانی چون شتری مست به خزانه مسلمین هجوم آوردند؟ چه کسانی در هنگامه آتش و خون و جنگ در سوراخ‌ها خزیدند و فرزندان و نزدیکان خود را برای دور ماندن از معرکه جهاد به کالج‌ها و آموزشگاه‌های آمریکا و اروپا فرستادند؛ حال آنکه فرزندان خمینی در زیر باران آتش و گلوله تکه پاره می شدند؟ در این میان است که نقش آژادگان مفسد یا همان عمر سعدهای انقلاب آشکارتر می شود. تأثیر ثروت‌های حرام در نحوه شکل‌گیری شخصیت آژادگان مفسد در جامعه در کنار دیگر عوامل، از آن‌ها عناصری تهدید کننده و مصیبت‌زا و توطئه‌گر ساخته و توانایی خلق فاجعه‌ها و بحران‌های خطرناکی را به آنان می بخشد. مجموعه این عوامل و مراحل که جزء جزء زندگی آژادگان مفسد را شکل می بخشد، به این ترتیب است:

۱. سطح پایین سواد و مطالعات و آگاهی و نداشتن بینش کافی و تحلیل عمیق آژادگان مفسد، باعث فریب خوردن و شکار آنان می شود. بر این اساس طعمه و سوزده اصلی بسیاری از بحران‌ها و فتنه‌های می شوند.
۲. به علت تحصیل در مراکز خصوصی، غیر



زمینها، از آنان انسان‌هایی افزون‌خواه و زیادطلب می‌سازد، به گونه‌ای که به هیچ چیز - چه در قدرت و چه در ثروت - قانع نیستند.

۹. رفتار متکبرانه و سراسر غرور آفازادگان مفسد - که گویا آسمان شکافته شده و از میان ابرها بر زمین افتاده‌اند - ناشی از زیست انگلی آفازادگان مفسد است. چرا که آفازادگان مفسد به واسطه شخصیت و جایگاه

پدران، نه به واسطه صلاحیت‌ها و لیاقت‌های شخصی خود، در جامعه رشد یافته و شناخته شده‌اند، از همین رو ارتقاء انتصاب آنان در مدیریت‌ها در سطوح بالا، به واسطه تضييع و زیر پا گذاشتن حقوق دیگران صورت می‌گیرد. در حقیقت حیات و بقای آفازادگان مفسد به زیست انگلی آنان در جامعه بستگی دارد.

۱۰. ترس از افشاء و آشکار شدن مفسد، باعث می‌شود آفازادگان مفسد برای حفظ ثروت و جایگاه و منابع سودآور خود، با هر گروه و حزب و جریان دست دوستی و رفاقت بگشایند و برای اجرای هر طرح و برنامه‌ای که به حفظ منافعشان بینجامد، اقدام نمایند، خواه این برنامه به سود مردم و مصلحت نظام باشد، خواه بدترین لطمه‌ها و ضربه‌ها را به مردم و نظام اسلامی وارد سازد و ارزش‌ها را در زیر پا له کند.

مجموعه این عوامل و مراحل تکوین شخصیت آفازادگان مفسد، نشاتگر پیدایش نسل ناقص الخلقه‌ای در جریان‌های سیاسی است که هر لحظه می‌تواند «ممکن الوقوع» بودن عاشورا، برای انقلاب را «قریب الوقوع» سازد. نباید از نظر دور برداریم که مرام و سیره بزرگان راستین اسلام؛ همچون امام عزیز و مقام معظم رهبری، همواره دور نگاه داشتن فرزندان و دوستان و نزدیکان خود از عرصه‌های حکومتی و اجرایی است. تنها با نگاهی کوتاه به زندگی این بزرگان در می‌یابیم که این مردان الهی و مبارز راه حق تا چه اندازه در تربیت فرزندان و نزدیکان خود کوشا بوده و تحت هیچ شرایطی، اجازه ورود به عرصه‌های اقتصادی و سیاسی را به آنان ندادند. شاید از آن روست که این مردان الهی به خوبی نقش عمر سعدها و ابن‌زیدها را در یافته و به نقش ویرانگر آنان در طول تاریخ واقف بوده و هستند.

به راستی در عاشورای انقلاب، عمر سعدهایی که حنجره حق را می‌دردند و ارزش‌های واقعی آن را به ضد ارزش تبدیل می‌کنند، چه کسانی هستند؟ آیا روزی خواهد رسید که عمر سعدهای پنهان انقلاب و آفازادگان مفسد به خون‌خواهی و میراث‌خواهی پدران خود، تیغ از نیام برکشند و چهره انقلاب را خونین سازند؟
بیداری و هوشیاری امت در برخورد با عمر سعدهای انقلاب و تلاش و همت رئیس‌جمهور عزیز و انقلابی ایران - در زدودن روحیه باند بازی و بی‌ارزش کردن «آفازادگی» و «خواص زادگی» در دستگاه‌های اجرایی - می‌تواند این تهدیدها و خطرات ویرانگر را از انقلاب دور سازد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. زنی که به زنا و فاحشگی معروف بودند و در بالای منزل خود پرچم می‌گذاشتند، اذوات الاعلام؛ یعنی دارندگان پرچم‌ها گفته می‌شند.
۲. تمه المتهی، شیخ عباس قمی، برگرفته از صفحات ۷۵ تا ۸۴.
۳. قال رسول الله: «الولد للفراش وللعاهر الحجر».
۴. تمه المتهی، شیخ عباس قمی، ۱۱۲-۱۱۸.
۵. فرهنگ عاشورا، جواد محنتی، ص ۳۲۶ و ص ۱۵۳.
۶. ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۸۸.
۷. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۳۳، ص ۱۶۵.
۸. فرهنگ عاشورا، جواد محنتی، ص ۳۲۵.

انتفاعی و عموماً «خارج از کشور، آن هم با پول‌های شبیه‌ناک و بهره‌مندی از بیت‌المال، آفازادگان مفسد به عناصری غریبه و ناآشنا با مشکلات جامعه و مردم تبدیل می‌شوند. به ویژه این‌که در این عرصه و دوران، پیش از آن‌که با پابرهنگان جامعه دم‌خور و همراه باشند، با قشر رفاذه، پولدار، سرمایه‌دار و متمکنین جامعه رشد و پرورش می‌یابند.

۳. به علت مشغله‌های فراوان پدران، تربیت بسیاری از آنان متأثر از آموزش‌ها و تربیت‌های اطرافیان و نزدیکان می‌شود. اطرافیان و نزدیکان چاپلوس و ممتلئی که در بیشتر زندگی بزرگان و خواص جامعه، حوادث تلخی را می‌آفرینند.
۴. آلوده شدن آفازادگان مفسد به فعالیت‌های اقتصادی سودآور، به دلیل بهره‌مندی آنان از آخرین اطلاعات تغییر و تحولات اقتصادی و آگاهی یافتن از مصویبات و تصمیمات کارگزاران حکومت، در جزئی‌ترین امور و فربه شدن آنان از ثروت‌های حرام.

۵. زد و بند کردن با گروه‌های مافیایی و

مشترک شدن اهداف آنها با آفازادگان مفسد در جمع‌آوری ثروت و سود بیشتر و تبدیل شدن آنها به عنوان رابط اخبار محرمانه اقتصادی و سیاسی برای باندهای مافیایی و همچنین دلالی‌های جورواجور، نظیر جاسوسی و ساپورت‌های دیگر!

۶. تبدیل شدن آفازادگان مفسد به پل‌های ارتباطی پدران خود با دیگر گروه‌ها، باندها، حزب‌ها و قرار گرفتن آنها به عنوان فیلترها و واسطه‌هایی که خواسته‌های افراد و سلیق اشخاص را نیز بر مبنای خواست و سلیقه پدرانشان تعدیل کرده و تفکرات و گرایش‌های آن افراد را به خواص جامعه یعنی پدرانشان پمپاژ و منتقل می‌نمایند. در گذشته بیشتر این کار بدون واسطه آفازادگان مفسد انجام می‌گرفت.

۷. فعالیت‌های اقتصادی آفازادگان مفسد، آغاز حرکت آنهاست. تیم و باند آنان که عموماً در دفاتر پدران شکل می‌گیرند، فعالیت‌های فرهنگی، هنری و عام‌المنفعه را به عنوان پوشش‌های خود برمی‌گزینند؛ اما در بسیاری از حرکت‌های سیاسی نظیر انتخابات، این عناصر به ظاهر خدمتگزار و موجه! پیوند قدرت و ثروت را نمایان و از زیرپوشته‌های پوششی خود، چهره زشت و کریه خود را آشکار می‌سازند. فرستادن نمایندگان مورد نظر خود به مجلس با اعمال فشار و تزریق کمک‌های میلیاردی به دفاتر تبلیغاتی آنان، شایعه‌سازی و تخریب رقبا با حمایت مالی از روزنامه‌های زنجیرهای در اختیار، تحمیل فهرست مدیران نالایق و اجیر شده به سیستم‌های اجرایی و تعیین وزیر و یا حتی رئیس‌جمهور تنها موارد کوچکی از صدها توطئه و نیرنگ کثیف آفازادگان مفسد در زمانه کنونی است.

۸. رفاذه‌دگی و تشریفات و تجمل؛ خصوصیت و ویژگی همه آفازادگان مفسد است که در تعدد منزل، ماشین، منصب‌ها و زوجات زیبارو خلاصه نمی‌شود. بزرگ شدن آنها در ناز و نعمت ناشی از ثروت و قدرت پدران و همچنین شرایط زندگی برتر آنان در همه

